

## مدیریت تحلیل نقش دیو در آثار محمد سیاه قلم و علی اکبر صادقی با رویکرد فرمالیستی

\* الهه غفوریان راد<sup>۱</sup>، حسن رزمخواه<sup>۲</sup>

۱. گروه نقاشی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

۲. استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

### چکیده

دیو و نقش دیو در هنر ایران و خصوصاً نگارگری به دوران کهن خصوصاً فرهنگ آریایی مربوط می شود. پس از جدائی ایرانیان از هندوان و ظهور زرتشت پروردگاران مشترک قدیم یعنی دیوها که مورد پرستش هندوان بودند، نزد ایرانیان گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده شدند. چنانکه در آئین مزدیسنا کلاً به مردم بدمنش هم اطلاق می شود. در عرصه پرداختن به نقش دیو، در وجوه باورهای فرهنگی را می‌توان در هنر نگارگری قرن نه ه.م (پانزدهم م) در مکتب هرات در نقاشی محمد سیاه قلم به فراوانی یافت این علاقه به ترسیم نقش دیو در هنر معاصر در آثار علی اکبر صادقی یکی از هنرمندان سده های اخیر نیز حضوری فعال داشته حال سوال این می باشد که فرم ترسیم دیو در آثار این دو هنرمند که به لحاظ بعد زمان بایکدیگر صدها سال فاصله می باشد چه تغییراتی و چه تشابهاتی را همچنان حفظ کرده است.

برای پاسخ به این سوال از نظریه فرمالیست ها سود جسته و در بین صاحب نظران فرمالیست به نظریه فرم معنادار کلا یوبل استناد کرده تا این وجوه مشترک را بین آثار دو هنرمند ایرانی محمد سیاه قلم و علی اکبر صادقی مورد واکاوی قرار داده شود. در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و تاریخی استفاده شده است..

**واژگان کلیدی:** دیو، مکتب هرات، هنرنگارگری، محمد سیاه قلم، علی اکبر صادقی